

روش‌های ایجابی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی؛ با تکیه بر آثار آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله

محمدصادق دهقان کلور / کارشناس ارشد تربیت اخلاقی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
محمد عالم‌زاده نوری / استادیار گروه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

چکیده

انسان تربیت‌یافته اخلاقی، فردی است که ضمن کنترل بر عواطف خود، آنها را در مسیر رضایت الهی ایجاد و ابراز می‌کند. از این رو، باید عواطف پسندیده، به وسیله روش‌هایی در جان متری، ایجاد و در ادامه، تثبیت و تقویت شود و در صورت وجود عواطف ناپسند در انسان، اصلاح و به نوعی نابود شود. اگر مربی در مسیر برطرف کردن خصلت‌های ناپسند اخلاقی در بُعد عاطفی موفق باشد، ولی نتواند عواطف پسندیده اخلاقی را جایگزین آنها کند متری دچار خلأ روحی می‌شود و از کمال و سعادت اخلاقی باز می‌ماند. از این رو، می‌توان به اهمیت روش‌های ایجابی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی پی برد. هدف این مقاله، استخراج روش‌های ایجابی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی، با تکیه بر آثار آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی اسنادی و با مراجعه به یادداشت‌ها، تألیف‌ها و سخنرانی‌های استاد صورت گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد که برای ایجاد عواطف ممدوح در تربیت اخلاقی، می‌توان از روش‌های تقویت دل، آگاهی‌بخشی، ارائه الگوی عاطفی پسندیده، ترغیب، محبت و مهرورزی، معاشرت نیکو، تلقین، تکرار و ذکر بهره گرفت.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، روش‌های ایجابی، بُعد عاطفی، علامه مصباح یزدی.

بیان مسئله

تلاش‌های فراوانی برای نهادینه کردن اخلاق در افراد و جوامع در نقاط مختلف جهان صورت می‌پذیرد. اخلاق، به معنای ارزش انسانی است و تربیت اخلاقی، یعنی ارزشمند ساختن وجود انسانی که می‌تواند دارای ساحت‌های شناختی و رفتاری و عاطفی باشد. از آنجاکه بیش‌ها، عواطف و رفتارهای انسان، تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند، در فرایند تربیت باید به همه این ابعاد توجه نمود، زیرا تأمین سعادت و سلامت شخص و جامعه مستلزم هماهنگی، همدلی، همکاری و همیاری عقل با عواطف و احساسات است؛ ضعف و فقدان هر یک، پویایی، بلکه اصل حرکت فرد و جامعه را در مسیر تربیت و رشد و تعالی به مخاطره انداخته، موجب خسارات جبران‌ناپذیری خواهد شد. بنابراین، بُعد عاطفی یکی از مؤلفه‌های مهم شخصیت است و تربیت این بُعد در تربیت اخلاقی نیز به دلیل اینکه بخش بزرگی از عواطف انسان مربوط به قلمرو اخلاق است، از مهم‌ترین بعد تربیت انسان به‌شمار می‌رود. تأکید فراوان بر بُعد عقلانی و شناختی انسان و غفلت از بُعد عاطفی، فرایند تربیت را دچار آسیب جدی خواهد کرد.

در کنار هدف غایی تربیت اخلاقی اسلام، که عبودیت خداوند و رسیدن به نقطه اوج انسانیت یا همان کمال است، از اهداف میانی تربیت اخلاقی در بُعد عاطفی، در مسیر رضایت خداوند قرار گرفتن عواطف و گرایش‌ها و هیجان‌های انسان می‌باشد. برای رسیدن به این هدف، نیازمند بهره‌گیری از یک مجموعه روش‌های خاص هستیم؛ چراکه بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی، در گرو شیوه‌هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده، به کار می‌بندد. به همین دلیل، گزاره نیست اگر بگوییم که دشوارترین مرحله از فرایند تربیت، تعیین و تشخیص روش تربیتی و استفاده و به‌کارگیری صحیح و مؤثر آن است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲). حال که این مؤلفه، از حیث کاربرد برای مربیان اخلاق و تربیت، دارای اهمیت بالایی است، لازم است با نگاهی تخصصی‌تر به این موضوع پرداخته شود و روش‌های تربیت اخلاقی در ساحت‌های مختلف (شناخت، عواطف، رفتار) از منظر اندیشمندان مسلمان شناسایی و در اختیار مربیان قرار گیرد. روش‌های مورد بررسی در تربیت اخلاقی را می‌توان در هر یک از ساحت‌های انسان، به سه بخش روش‌های ایجاد، روش‌های اصلاحی و روش‌های تثبیتی مورد بررسی قرار داد. در این مقاله به شناسایی روش‌های ایجاد، تربیت اخلاقی در بعد عاطفی، از منظر آیت‌الله مصباح یزدی خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی

تربیت اخلاقی

آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله‌علیه تربیت را معادل پرورش می‌داند و ریشه تربیت را از «ر ب و» و به معنای برآمدگی شمرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۵). ایشان در تعریف تربیت می‌فرمایند: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن همه استعداد‌های انسان و حرکت تکاملی او به سوی هدف مطلوب، به‌وسیله برنامه‌های سنجیده و حساب‌شده» (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۳۸). ایشان با مفروض گرفتن انواع تربیت‌های موجود در

جامعه و مقایسه آنها با یکدیگر، تربیت اخلاقی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تربیت اخلاقی برنامه‌ریزی برای رشد اخلاق متریبان، دانشجویان و دانش‌آموزان در جهت مطلوب اسلام است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

بُعد عاطفی

«عاطفه» در معنای لغوی و رایج در عرف، کششی است نفسانی که کسی دربارهٔ دیگری در خود احساس می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱) و در قالب گرفتگی، انبساط چهره، انس‌گیری، انزواطلب‌طلبی، فعالیت، و مانند اینها خودنمایی می‌کند (همو، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱). در مورد تعریف عاطفه در اصطلاح، می‌توان گفت: که هر یک از روان‌شناسان از زاویه خاصی به عاطفه نگریسته‌اند. به همین دلیل، تاکنون تعریف مشترک و جامع و کاملی در این زمینه بیان نکرده‌اند. برخی، عاطفه را به «واکنش هیجانی به شیئی یا وضعیتی» تعریف کرده‌اند. از نظر اینان، شیء یا وضعیت معنای وسیعی دارد که یکی از مصادیق آن، مکان ویژه عبادت یا نوعی مراقبه است. اینان اصطلاح «عاطفه» را کل طیف احساسات اعم از ترس، شادی، احترام، تنفر و... می‌دانند (اسپلیکا و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۲). حسینی‌نسب در فرهنگ تعلیم و تربیت (۱۳۷۵) در تعریف «عاطفه» آورده است، حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می‌کند، عاطفه خوانده می‌شود. در فرهنگ توصیفی علوم تربیتی نیز این‌گونه آمده است: «برخی توضیحات حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می‌کند، عاطفه خوانده می‌شود» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۷). بر اساس نظر ربر (۱۳۹۰) در فرهنگ روان‌شناسی توصیفی عاطفه اصطلاحی است که کم‌وبیش با هیجان، احساس و مانند آن مترادف است. این اصطلاح، همان خلق‌وخوست که البته بیشتر برای حالت‌های هیجانی شایع‌تر و بادوام استفاده می‌شود.

اما در مجموع می‌توان چند ویژگی خاص را در مورد مفهوم عاطفه، با توجه به تعاریف گفته‌شده بیان کرد که معنای عاطفه در این مقاله نیز می‌باشد: ۱. حالت روانی؛ ۲. انفعال و انجذاب که شامل حالات ممدوح و مذموم است؛ ۳. نیروی برخاسته از کشش‌های درون و محیط، که واکنشی است نشأت گرفته از جاذبه‌های پیرامون انسان؛ ۴. معمولاً همراه با هیجان هستند.

گاهی از این بُعد، به ساحت گرایشی یا میل نیز یاد می‌شود. ساحت گرایشی، شامل میل‌ها، کشش‌ها و جاذبه‌های متعدد است که در روان‌شناسی از آنها به تعبیری مانند عواطف، انفعالات، احساسات و هیجانات یاد می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶ الف، ص ۸۷). بر اساس دیدگاه (همان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۲)، مواردی مثل تمايلات غریزی، محبت، عشق، نفرت، کینه، خشم، غضب، ترس، امید، یأس، اضطراب، شادی، غم، تجلیل، تحسین، پرستش و مانند این امور را می‌توان به ساحت عاطفی و گرایشی مربوط دانست.

روش‌های ایجاد‌ی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی

در اصطلاح، روش‌های ایجاد‌ی در بعد عاطفی، در ایجاد یک رفتار یا صفت جدید نیک و درست، در بعد عاطفی تربیت اخلاقی به کار می‌روند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸). همچنین، علاوه بر ایجاد عواطف ممدوح، در تثبیت

و هدایت عواطف و گرایش‌های مثبت و ممدوح کارایی دارند. در ادامه به بررسی روش‌های ایجاد تریب اخلاقی در بعد عاطفی، با تکیه بر آثار علامه مصباح یزدی^۱ پرداخته می‌پردازیم.

تقویت دل (قلب)

منظور از «قلب»، آن قوه و نیرویی است که درک می‌کند و مرکز احساسات و عواطف است. اگر موارد استعمال قلب را در قرآن کریم بررسی کنیم، دست کم دو ویژگی برای قلب به دست می‌آورد: یکی اینکه حقایق را درک می‌کند و چیزهایی را می‌فهمد. دیگر اینکه احساسات و عواطفی دارد و حالاتی نظیر رحمت، قساوت، عطفوت، خشونت، مهربانی، درشتی و... به قلب نسبت داده می‌شود.

معادل «قلب» در فارسی، همان لفظ «دل» است که در نثر و نظم فراوان به کار برده می‌شود. قلب انسان آمادگی درک حقایق و بیان احساسات و عواطف را دارد؛ در صورتی که از غذای سالم تغذیه بشود. از این رو، باید انرژی لازم را برای قلب تأمین کرد تا دو فعالیت عمده خود را انجام دهد و الاً بدون منبع انرژی، خاموش خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۰۳). از آنجاکه منبع عواطف، دل و قلب می‌باشد، تقویت دل کمک می‌کند تا عواطف و گرایش‌های ما در مسیر صحیح خود ایجاد شوند که دو راه تقویت دل را که منجر به ایجاد عواطف ممدوح می‌شود، بیان می‌کنیم:

ایمان

اساس ارزش، از دیدگاه مکتب اسلام، ایمان و تقواست که این دو نیز با هم رابطه علی و معلولی دارند. ریشه تقوا در قلب است، از ایمان تولید و تغذیه می‌شود و آثار و ثمرات آن، در رفتار انسان ظاهر می‌گردد. در واقع، ایمان مانند چشمه‌ای از قلب می‌جوشد، به سوی اعضا و جوارح جریان پیدا می‌کند و به صورت اعمال صالحه و حسنه ظاهر می‌شود. پس می‌توان گفت: ریشه اخلاق و ارزش اخلاقی از دیدگاه اسلام ایمان است. برای به دست آوردن تقوا و تخلق به اخلاق شایسته، مانند بروز عواطف ممدوح، نخست باید به تحصیل ایمان مبادرت شود (همو، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۷).

قلب کانون عواطف و احساسات است. اگر ایمان در قلب راه یابد، با عواطف آدمی مرتبط می‌گردد؛ یعنی منشأ پیدایش شادی، وجد و شمع، حزن، خوف، امید، رقت، وجل، حسرت، پشیمانی، آرامش، شوق، رغبت، عشق، اعتماد، محبت، نفرت، انکسار، مسکنت، تمنا، تعظیم، امتنان و سپاس، شرم و... خواهد بود (مجدی هلالی، ۱۳۹۴، ص ۸۹ - ۹۶). ایمان، آثار عاطفی بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی دارد. این مهم، از مقایسه افرادی که در جوامع با ایمان زندگی می‌کنند، با افرادی که در جوامعشان چنین سرمایه معنوی‌ای کم رنگ است، به دست می‌آید. یکی از آثار مهم ایمان، ایجاد آرامش و اطمینان است که حالت ثبات عاطفی است و موجب نشاط و سرزندگی می‌شود و از بروز اضطراب‌های روحی و فکری جلوگیری

می‌کند. کسانی که صادقانه ایمان آورند، خدا هم کمکشان می‌کند. وقتی عوامل ظاهری اقتضای اضطراب، نگرانی، تردید، دودلی و ترس دارند، آنان آرامش دارند؛ نه ترسی، نه واهمه‌ای، تصمیم قطعی دارند برای اینکه پایداری کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۷).

یاد خدا

یاد خداوند، موجب اطمینان، آرامش و نشاط درون آدمی است و نمی‌گذارد اندوه‌های برخاسته از کاستی‌های حیات مادی، موجودیت انسان را به خطر افکند؛ همان‌گونه که نمی‌گذارد سرمستی غرقه‌شدن در کام‌جویی‌ها، راز نهایی شخصیت آدمی را از بین ببرد. یاد خداوند، دل را صفا و جلا می‌دهد و زنگار غفلت‌ها و از خودفراموشی‌ها را می‌زداید (همو، ۱۳۸۴، ص ۹). قرآن با جمله‌ای کوتاه اما پرمغز، مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه آرامش و تقویت دل را نشان داد، می‌فرماید:

بدانید که یاد خدا آرامش‌بخش دل‌ها است.» و به نوعی حیات دل، با یاد خداوند ایجاد می‌شود. اگر انسان چند دقیقه نفس نکشد، خواهد مرد؛ زیرا هر لحظه به هوا نیاز دارد و هیچ لحظه‌ای نیز نیست که به دلش خطور کند که از تنفس کردن خسته شده است. یاد خدا هم تنفس دل است و دل انسان با یاد خدا زنده است و اگر بخواهیم دلمان زنده بماند باید در هر لحظه به یاد خدا باشیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با یاد خدا دل‌ها زنده می‌شوند و با فراموش کردن او می‌میرند» (ری شهری، ۱۳۸۳، ج ۴ ص ۱۸۴۸).

سکینه، یکی از حالات عاطفی نفسانی است که وقار و آرامش را به همراه دارد و هرگونه شک، تردید و وحشت را از انسان دور می‌کند. در قرآن این حالت، در ارتباط با یاد خدا بیان شده است. همچنان که مؤمنان همواره در پی آرامش جستن در جوار محبوب‌اند و خواسته‌شان نزدیکی به اوست.

در حدیث شریفی که از امام باقر علیه السلام خطاب به جابر بن یزید جعفی نقل شده، حضرت می‌فرماید: «برای رقت قلب، در خلوت‌ها زیاد یاد خدا کن» (حرانی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۵). رقت قلب حالتی است که به موجب آن، انسان در مقابل عواملی که موجب برانگیخته شدن احساسات و عواطف می‌شوند، زود منفعل می‌شود و اثر ظاهری آن هم اشک چشم است. «رقت»، مربوط به بخش احساسات و عواطف قلب است که تقویت آن، از طریق یاد خداوند صورت می‌گیرد تا جلوی قساوت قلب انسان گرفته شود. لازم به یادآوری است که در اخلاق اسلامی، رقت قلب هنگامی ارزش پیدا می‌کند که اثر آن، در آنچه مربوط به خدای متعال و قرب به اوست ظاهر شود (مصباح‌یزدی، ش ۱۳۹۰).

آگاهی‌بخشی

از منظر علامه مصباح‌یزدی، تربیت انسان‌ها در دستگاه تربیتی اسلام، متناسب با میزان معرفت و درک و فهم آنها می‌باشد. در واقع تفاوت مراتب ارزش کارها، به تفاوت معرفت و تربیت افراد بازمی‌گردد، و بسته به معرفت آنها،

تربیت افراد هم متفاوت می‌باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۷). پس هر قدر انسان، حقایق را بهتر بشناسد و نسبت به آنها آگاهی و توجه بیشتر و زنده‌تر و پایدارتری داشته باشد و نیز اراده نیرومندتری بر مهار کردن تمایلات و هیجانات درونیش داشته باشد، حُسن انتخاب بیشتری خواهد داشت (همو، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۵). رفتارهای انسان در قلمرو مختلف فردی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی از شناخت وی سرچشمه می‌گیرد. انسان وقتی به زیان چیزی پی می‌برد، از آن پرهیز می‌کند. وقتی دانست چیزی برای سلامتی وی سودمند است، از آن استفاده می‌کند. هنگامی که به دوستی و خیرخواهی فردی نسبت به خود پی برد، به او دلبستگی پیدا می‌کند. وقتی هم خشمگین می‌شود، اگر بداند پرخاشگری وی ممکن است چه پیامدهایی داشته باشد، معرفت و شناخت او کنترل‌کننده وی خواهد بود.

بی‌تردید گرایش‌ها و عواطف انسان، مستلزم و نیازمند نوعی آگاهی و شعورند. آگاهی یکی از زمینه‌های ایجاد عواطف و گرایش است؛ هر قدر این آگاهی نسبت به متعلق گرایش دقیق‌تر و جامع‌تر شود، زمینه برای قوت گرایش در جهت مثبت یا منفی آن، در مسیر کمال و سعادت انسان، وضوح بیشتری می‌یابد. نتیجه آن، نیز تقویت گرایش به سوی آن است؛ زیرا انسان طالب زیبایی‌ها و کمال سعادت خویش است (رزاقی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

موارد آگاهی‌بخشی در بعد عاطفی، ذیل اهداف شخصی، الهی، جمعی و طبیعی در آثار آیت‌الله مصباح قابل شناسایی است.

موارد آگاهی‌بخشی در اهداف شخصی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی

- آگاه‌سازی متریبان از جایگاه و کرامت ذاتی خود، در آفرینش و پیشگیری از خودکم‌انگاری (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸).
- آگاه‌سازی متریبان با نقش مهرورزی در تعالی شخصیتی و سعادت دنیوی (همو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۷۷).
- آگاه‌سازی متریبان از ضرورت حفظ تعادل در غم و شادی (همو، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۹۵).
- آگاه‌سازی متریبان نسبت به مقدمیت خوددوستی برای خدادوستی (همان، ص ۶۶).
- آگاه‌سازی متریبان از ضرورت جهت‌بخشی هیجان پرخاشگری به دفاع از ارزش‌های اسلامی، ملی و خانوادگی (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹۰)

موارد آگاهی‌بخشی ذیل اهداف الهی تربیت اخلاقی در بُعد عاطفی

- آگاه‌سازی متریبان از نعمت‌ها و مواهب تکوینی و تشریحی در راستای خدادوستی (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ص ۶۴).
- آگاه‌سازی متریبان از رحمت و محبت الهی نسبت به بندگان و مخلوقات خود (همو، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵).
- آگاه‌سازی متریبان از علاقه خداوند به بندگان و محبوب بودن بندگان خالص و توبه‌کنندگان (رک: بقره: ۲۲۲)؛ (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۵۸).
- آگاه‌سازی از بازگشت ثمرات و برکات محبت الهی و اولیا به خود متریبی (همو، ۱۳۸۴، ص ۲۱۶).

- آگاه‌سازی متریبان از عوامل اثرگذار در ایجاد و تعمیق حب به خداوند (مانند انس با کلام الله، دیدار با ابرار، رسیدگی به نیازمندان، ذکر) (همو، ۱۳۸۴، ص ۴۵).
- آگاه‌سازی متریبان نسبت به حکمت مصائب و مشکلات در زندگی انسان (عذاب، امتحان، کمال‌یابی) (همو، ۱۳۹۱، ص ۲۶).
- آگاه‌سازی متریبان از ضعف، ناتوانی و نیاز همیشگی ایشان به خداوند، حتی در عالی‌ترین مراتب کمال یافتگی (همو، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).

موارد آگاهی‌بخشی ذیل اهداف جمعی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی

- آگاه‌سازی متریبان از نیاز فطری، روانی و طبیعی ایشان به انس و ارتباط عاطفی با دیگران (همو، ۱۳۸۸، ص ۳۵۶).
- آگاه‌سازی متریبان با حکمت ربوبیت تکوینی الهی در زوج آفرینی آدمیان، برای رسیدن به مودت و رحمت (همو، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۷).
- آگاه‌سازی متریبی از نقش رأفت، رحمت و عشق به دیگران در دستیابی به قرب الی الله.
- آگاه‌سازی با قاعده «پاسخ به احسن» در روابط عاطفی (همو، ۱۳۹۴، ص ۲۵۸).

موارد آگاهی‌بخشی ذیل اهداف طبیعی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی

- آگاه‌سازی متریبان با نعمت بودن و منعم بودن زمین و وامداری بشر نسبت به آن (همو، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۶).
 - آگاه‌سازی متریبان نسبت به روایات و حکایات ترحم به حیوانات (همو، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۴۱).
 - آگاه‌سازی متریبان از پیامدهای عاطفی تخریب محیط‌زیست و آلوده کردن دریاها و رودخانه‌ها (همو، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷).
- نکته مهم این است که باید تلاش شود آگاهی‌بخشی‌های صورت گرفته در باب عواطف، تبدیل به بینش و یقین شده تا با درونی کردن آگاهی‌های اخلاقی، تلقی آدمی از گرایش‌ها و عواطف دگرگون شود. ایجاد دگرگونی در تلقی افراد از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنها است. برای مثال، در باب عاطفه ترس، فلسفه ارسال دین، این است که با بینش‌بخشی، دایره امیدها و ترس‌ها را گسترش دهد؛ یعنی به انسان بفهماند که فقط نباید از گرسنگی، بیماری، صاعقه و... ترسید، بلکه باید از چیزهایی مهم‌تر در هراس بود. اینکه به انسانیت انسان لطمه بخورد، روح و قلب انسان آلوده و سیاه شود، عذابی از ناحیه خداوند در دنیا و آخرت به انسان برسد. از همه مهم‌تر، خداوند از انسان ناراضی شود و به او اعتنایی نکند (همو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۲ و ۱۱۷).

ارائه الگوی عاطفی پسندیده

یکی از روش‌های تربیتی عینی و کاربردی تعلیم و تربیت، که به کارگیری آن در مرتبه بسیار تأثیرگذار است، روش الگویی است که از آن با عناوین الگوسازی، اسوه‌سازی و تقلید یاد می‌شود. تقلید، رفتاری آگاهانه و

هدفدار است که به انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد (همو، ۱۳۹۰ج، ص ۱۷۵-۲۱۰). در واقع قسمت عمده یادگیری انسان، از طریق «تقلید» صورت می‌پذیرد (همان، ص ۳۱۱). چون انسان به‌طور طبیعی الگوپذیر است و تربیت ابتدایی خود را از الگوهای همچون پدر و مادر می‌گیرد.

قرآن کریم نیز برای هدایت انسان با استفاده از روش الگودهی، به تبیین الگوهای ممدوح عاطفی هدایت‌شدگان و صالحان، و از سوی دیگر، به تبیین الگوهای مذموم عاطفی ضالین و طالحان پرداخته است. گاه به‌صورت مستقیم، به پیروی از کسی تصریح می‌کند، مانند: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»؛ یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است و گاه بدون چنین تصریحی، در قصص گوناگون قرآن کریم (احزاب: ۲۱)، که پر از فراز و فرودهای عاطفی است، همچون قصه حضرت یوسف، واقعه حضرت نوح و فرزندش، جریان حضرت مریم، رخداد گزارش شده از مادر موسی و سرگذشت حضرت ابراهیم و اسماعیل، اسوه‌ها را معرفی می‌کنند. هر یک از این رخدادها، که با سبک روایتی خاصی متناسب با کاربرد هدایتی‌گزینش و جهت‌دهی شده‌اند، نماد بروز گرایش‌های تعیین‌کننده لحظات حساس خاصی است که انسان باید بتواند در آن لحظه، در راستای سعادت خویش گام بردارد. لازمه این گام برداشتن، خودکنترلی در عرصه عواطف و عمل است (عقیقی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۸). یکی از عواطف بسیار پسندیده، در تربیت اخلاقی، ایجاد عشق و محبت بین مردم و مقام ولایت می‌باشد که استاد مصباح، در سال ۷۹ و با حضور رهبر انقلاب در منزلشان، با استفاده از این روش، کمال خضوع و محبت خویش را در برای مقام ولایت نشان داده و بیان داشته‌اند که این حرکت از دو عامل شکل گرفته است: الف. احساسی و عاطفی که با رسیدن محبوب، انسان می‌خواهد هر چه دارد در برابر او بدهد، ب. و عامل عقلانی اینکه ما وظیفه داریم، موقعیت ولایت را معرفی کنیم و نقش ایشان را در هدایت جامعه مشخص کنیم، تا اهمیت خضوع و محبت در برابر ایشان مشخص شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹).

ترغیب

«ترغیب» یکی از روش‌های تربیتی در سیره معصومان و قرآن است که همواره برای ایجاد عواطف و گرایش‌های ممدوح، مورد توجه مریبان مسلمان قرار گرفته است. ترغیب از «رُغْبَه» مشتق شده است و به‌معنای میل و اشتیاق می‌باشد. بنابراین، ترغیب عبارت است از: ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد (انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۴۰۸).

در قرآن کریم ترغیب در قالب‌های تبشیر، تحسین، دعا، سلام، پاداش، تحریض و وعده صورت گرفته است. با نگاه به آثار علامه مصباح، برای روش ترغیب، می‌توان چند شیوه بیان کرد:

تبشیر

«تبشیر» به‌معنای مژده دادن و خبر شاد دادن است. بشارت، خبری است که اثر آن در پوست آدمی ظاهر می‌شود. در قرآن کریم تبشیر با اصول اعتقادی و عواطف انسانی پیوند خورده است. به اعتقاد علامه

مصباح یزدی، در واقع برای عموم مردم بیش از هر چیز، خوف از عذاب و طمع در ثواب، مطرح و در اعمال آنها مؤثر است و انسان‌ها، بیشتر تحت تأثیر دو عامل انذار و تبشیر، و خوف و رجا هستند. تعداد کسانی که در پی رضایت و خشنودی خداوند باشند و در هیچ کدام از این دو عامل در آنها مؤثر نباشد، بسیار اندک است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۱).

استاد مصباح به آیاتی از قرآن کریم، که به این شیوه پرداخته است، اشاره کرده‌اند: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره: ۲۱۳)، پس خداوند پیامبران را مژده دهند و بیم دهنده برانگیخت (همان، ۱۳۹۱، ص ۴۸۰).
 «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسرا: ۹)؛ همانا این قرآن به آنچه پایدارتر است راهنمایی می‌کند و مؤمنینی را که عمل صالح انجام می‌دهند مژده می‌دهد که پاداش بزرگی دارند.

تشویق و پاداش دادن

از این شیوه می‌توان برای ایجاد عواطف و گرایش‌های ممدوح استفاده کرد. تشویق به معنای آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن است. تشویق از ریشه «شوق» و مصدر می‌باشد. در تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، کلماتی مانند تقویت، پاداش و محرک، مفهومی نزدیک به تشویق را دارا هستند، در عین حال از تفاوت‌هایی نیز برخوردارند (شعاری نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲).

از شیوه‌های مؤثر تشویق در کلام الهی، که شامل بروز عواطف ممدوح در عمل و کردار نیک آدمی است، در نظر گرفتن پاداش‌هایی است که به میزان دو و یا چند برابر به صالحان وعده داده شده است، بدین‌گونه که پاداش عمل، عیناً به اندازه اصل کار نیست، بلکه به مراتب بر آن افزونی می‌گیرد. برای مثال، قرآن می‌فرماید: «عمل و کردار نیک و دو برابر شدن پاداش آن نزد خدا» (نسا: ۴۰).

استاد مصباح با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام به این شیوه اشاره کرده است:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ثَلَاثَةٌ تَجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ لِلْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ مَكَافَأَهُ الْمُحْسِنِينَ بِالْإِحْسَانِ لِيَزِدُوا رَغْبَةً فِيهِ وَتَعَمُّدُ ذَنْبِ الْمُسِيءِ لِيَتُوبَ وَيَرْجِعَ عَنْ غِيهِ وَتَأْلِفُهُمْ جَمِيعاً بِالْإِحْسَانِ وَالْإِنصَافِ» .. سه چیز است که حاکم باید نسبت به خواص و عوام مردم رعایت کند: پاداش دادن نیکی با نیکی، تا رغبت آنها به نیکی زیاد شود، پوشاندن گناهان گناهکار تا توبه کند و از گمراهی خود بازگردد، و مدارا و مهربانی با همه با نیکی و انصاف (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۰؛ ارشاد القلوب، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۱۱).

وعده

در زبان عربی، «وعده» غالباً در جایی به کار می‌رود که فردی در مقابل کاری که دیگری انجام خواهد داد، فراهم آوردن چیزی را که مطلوب اوست، تضمین کند. بنابراین، وعده مترادف تطمیع و قول دادن در زبان فارسی است.

روش تربیتی اسلام در تحقق بخشیدن به ارزش‌ها، و شکل‌گیری عواطف و گرایش‌های ممدوح، متناسب با مراتب معرفت انسان‌ها است. خداوند تربیتش را منحصر به امثال *سلمان و ابوذر* نکرده است؛ دیگران هم باید متناسب با فهم و معرفتشان، تحت تأثیر تربیت اسلام و قرآن قرار گیرند. اما چون همت افراد متفاوت است، برخی را که دارای همت پایین می‌باشند، ابتدا با ایجاد انگیزه‌های مادی و روش وعده دادن تربیت می‌کند و آن‌گاه که همتشان بلندتر شد، با معارف دیگر آشنا می‌سازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۸). قرآن کریم نیز از این شیوه بهره برده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۹)؛ خداوند آنان را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که برای آنان بخشش و پاداش عظیمی است.

در ادامه با توجه به آثار استاد مصباح مواردی که باید به‌وسیله روش ترغیب و تشویق برای رسیدن به اهداف میانی تربیت اخلاقی (اهداف شخصی و الهی و جمعی و طبیعی) در بعد عاطفی توجه کرد، اشاره می‌شود. تشویق و ترغیب متریبان به:

- خودآگاهی جهت شناخت ظرفیت‌های عاطفی (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ب، ص ۱۲۲).
- تأمین عاطفی فرزندان از راه تعاملات مهرآمیز مانند: بوسیدن، نوازش کردن، گوش دادن، درآغوش گرفتن و مانند آن (همو، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۹۳).
- گرمی داشتن فرزندان با گزینش نام خوب برای آنان (همو، ۱۳۹۱، ص ۳۲۲).
- برنامه‌ریزی تربیتی در راستای تعادل بخشی عاطفی در غم و شادی متریبان (همو، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۹۵).
- خوب احساس کردن و خوب ابراز کردن احساسات (همو، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۸۵).
- بزرگداشت و شرکت در جلسات ولایی (اعیاد، مولید و وفات) (همو، ۱۳۸۲، ص ۲۸).
- زیارت مشاهد شریفه و مواقف کریمه (همو، ۱۳۸۳ الف، ص ۳۵۴).
- مطالعه و انس با ادعیه و کلمات نظم و نثر معنوی و عرفانی (همو، ۱۳۹۰، ص ۲۴۴).
- گفتن تبریک و تهیه هدیه برای خانواده و نزدیکان در مناسبت‌ها (همو، ۱۳۸۴، ص ۴۷).
- شرکت فعالانه عاطفی در مراسم عبادی جمعه و جماعات به منظور تألیف قلوب (همو، ۱۳۸۴، ص ۱۶).
- دیدار و سرکشی و عیادت از برادران دینی در راستای تقویت تفقد و همدلی (همو، ۱۳۸۴، ب، ص ۱۳۴).
- تکریم و تحسین نسبت به رفتارهای عاطفی مثبت دیگران (همو، ۱۳۹۱، ص ۴۷۸).

روش محبت و مهرورزی

یکی از روش‌های تربیتی سفارش شده در قرآن کریم، که تأثیر بسیاری در شکل‌گیری صحیح عواطف انسان دارد، محبت ورزیدن و مهرورزی است که با فطرت انسان همسو و سازگاری بیشتری دارد. محبت، نیروی فراوانی در برانگیختن عواطف درونی و شکوفایی گرایش‌های متعالی انسان دارد، به‌گونه‌ای که هر گاه انسان به

چیزی دل ببندد، این دل بستگی چنان او را مجذوب خود می‌سازد که همه تمایلات و رغبت‌ها را متوجه خویش می‌کند. برخوردار محبت‌آمیز و مهرورزی، ریشه در وحی الهی و سنت و سیره نبوی دارد و استفاده به موقع و مطلوب از چنین روشی (بدور از هرگونه افراط و تفریط)، در عرصه زندگی به حدی ارزشمند و با اهمیت است که خداوند، رمز موفقیت پیامبر در تسخیر دل‌های یارانش و در نتیجه، پیشرفت سریع اسلام را در گرو این روش برشمرده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۵۹)؛ به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم‌خو و مهربان شدی، اگر خشن، نامهربان (سنگدل) و انعطاف‌ناپذیر می‌بودی، مردم از اطراف تو پراکنده شده و کوچ می‌کردند.

استاد مصباح در تعریف محبت این‌گونه آورده است:

محبت، در حقیقت، حالتی است که در دل یک موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی که با وجود او ملایمتی و با تمایلات و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد، پدید می‌آید. می‌توان گفت: یک جاذبه ادراکی است همانند جاذبه‌های غیر ادراکی؛ یعنی همان‌طور که در موجودات مادی فاقد شعور مثل آهن و آهن‌ربا نیروی جذب و انجذاب وجود دارد، آهن‌ربا آهن را جذب می‌کند، با این ویژگی که جذب و انجذاب میان آن دو، طبیعی و بی شعور است، در بین موجودات ذی‌شعور هم یک جذب و انجذاب آگاهانه و یک نیروی کشش شعوری و روشن وجود دارد، دل به یک طرف کشیده می‌شود، موجودی دل را به سوی خود جذب می‌کند که این اسمش «محبت» است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۱۵).

از آنجاکه محبت به خداوند، سرچشمه بسیاری از عواطف پسندیده است، لازم است تا این قسم از محبت و راه‌های تحصیل آن بیان شود.

محبت به خداوند و راه تحصیل آن

در نظام تربیتی اسلام، مهم‌ترین انگیزه‌ای که مؤمن موحد را به حرکت وادار می‌کند، و زمینه بروز سایر عواطف ممدوح می‌شود، محبت به خداست؛ چراکه انسان مؤمن خداجو فطرتاً همه کمالات و عواطف ممدوح را از جهت انتساب به خدا دوست دارد و دنبال می‌کند و انسان غیرمؤمن نیز چون همان فطرت الهی را داراست، طالب همه کمالات و دوستدار همه عواطف ممدوح است؛ یعنی بدون توجه تفصیلی و به صورت ناآگاهانه خداجوست. گرایش به عواطف اخلاقی در انسان، ناشی از گرایش به خداست و بدون خدا باوری، این گرایش شکوفا نمی‌شود؛ زیرا حقیقت اخلاق گرایش به کمالات و خوبی‌هاست و خوبی مطلق خداست. پس پشت پرده اخلاق، خداگرایی است و اگر ما بتوانیم این خداگرایی را به وسیله محبت الهی ایجاد کنیم، سرچشمه ایجاد سایر عواطف ممدوح را رقم زده‌ایم.

محبت خداوند در یک مرحله، همانند خدانشناسی فطری در وجود انسان‌ها نهفته است و به صورت نیمه‌آگاهانه یا ناآگاهانه وجود دارد. ولی انسان می‌تواند این گرایش فطری را آگاهانه سازد و تقویت کند.

الف. توجه به نعمت‌ها

راه تحصیل محبت خداوند برای عموم مردم، توجه به نعمت‌های خداوند است. اگر خدمت‌هایی را که دیگران به ما کرده و به خاطر آن احياناً، مورد محبت شدید ما قرار گرفته‌اند، مورد مطالعه قرار دهیم که چه قدر بوده و چه مقدار از مجموع نیازهای ما را در طول زندگی برطرف کرده‌اند و آنها را با نعمت‌های عظیم و غیرقابل شمارشی که ولی نعمت و آفریدگار توانا و مهربان به ما اعطا کرده است، مقایسه کنیم؛ از این طریق می‌توان به عظمت نعمت‌های الهی پی برد و تأثیری که در رفع نیازهای فراوان و حیاتی و در تکامل ما دارند و این شناخت و توجه ما نسبت به این نعمت‌ها محبت ما را نسبت به ولی نعمت خویش به شدت برمی‌انگیزد و عواطف ما را به الطاف خدای متعال و مهربانی‌ها و توجهاتی که به ما دارد متوجه می‌سازد و این راه ساده‌ای است برای کسب محبت خدا، که برای همگان میسر خواهد بود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۲۵).

استاد مصباح در این زمینه می‌فرماید:

همه ما می‌دانیم که خداوند نعمت‌های بسیاری به ما داده است. همه ما چشم، گوش، دست، پا ... داریم، اما یادمان نیست که این‌ها نعمت خداست. از این‌رو، در استفاده از آنها احساس لذتی نمی‌کنیم و اصلاً توجه نداریم که چنین نعمت‌هایی وجود دارد. ابتدا باید توجه داشته باشیم که اینها نعمت است. سپس توجه کنیم که این‌ها را خدا داده است. در این صورت، وقتی از آنها استفاده می‌کنیم، در ما حالت هیجان محبت پدید می‌آید؛ «هَاجَتِ الْمَحَبَّةِ فِي قُلُوبِهِمْ»؛ دوستان خدا وقتی از نعمت‌های بهشت استفاده می‌کنند، محبت در دلشان هیجان پیدا می‌کند و در اثر این هیجان می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». وقتی این هیجان پیدا می‌شود، محبت جدیدی پیدا می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲).

ب. احتراز از عوامل تضعیف محبت خداوندی

در درجه اول، هر نوع محبت استقلالی به غیر خدا، مزاحم با محبت خدا خواهد بود: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرِجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب، ۴) خداوند برای هیچ کس بیش از یک دل در درون او قرار نداده است. اگر کسی بخواهد دلش منحصرأ جایگاه محبت خدا باشد و محبت غیر خدا در دل او معارض با محبت خدا نباشد، باید این حقیقت را درک کند که هیچ موجودی جز خدا، هیچ نوع استقلالی از خودش ندارد، هر کمالی و هر جمالی در هر جایی، درواقع از آن اوست و عاریتی در اختیار اشیا دیگر است. در درجه دوم، محبت شدید به غیر خدا، می‌تواند مانع محبت خدا و عامل اعراض از عمل به وظائف الهی شود. بر این اساس، حد نصابی برای محبت خدا تعیین شده که لازم است محبت انسان به خدا حداقل غالب باشد بر محبت وی نسبت به سایر اشیا که فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵). محبت مخلوق هیچ‌گاه نباید مؤمن را از عمل به مقتضای محبت خالق باز دارد: «لِطَاعَةِ الْمَخْلُوقِ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (رضی، ۱۳۹۵، ص ۵۶۷) بنابراین، هرگاه خداوند نسبت به انجام کاری امر الزامی داشته باشد و محبت دیگران مانع و مزاحم انجام آن شود، نظیر آنکه خداوند خواندن نماز را بر مکلف واجب کرده است و دوستی که محبوب مکلف است، وی را از خواندن

نماز باز دارد در این صورت، ایمان انسان وجود آن درجه از محبت خدا را در دل مکلف اقتضا می‌کند که به وی توان تصمیم‌گیری لازم را در زمینه انجام واجبات و ترک محرّمات بدهد و محبت غیر خدا، نتواند وی را از عمل به وظائف خود باز دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۲۶).

ج. محبت اولیای الهی

توجه به نعمت‌های خداوند، یکی از راه‌های تحصیل محبت بود. برترین نعمت خداوند، نعمت ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام است. امام رابطه بین مردم و خداوند در فیوضات باطنی است و وظیفه او ایصال الی المطلوب است. در نتیجه، محبت خداوندی در ابتدا به اولیای او و امامان معصوم تعلق می‌گیرد. بنابراین، از طریق محبت به اولیای الهی، محبت خداوندی راحت‌تر حاصل می‌شود.

معاشرت نیکو

یکی از روش‌های پسندیده که به کرامت و عزّت انسان گره خورده است و می‌تواند تأثیر زیادی در ایجاد عواطف ایجاد کند، روش معاشرت نیکو یا حسن معاشرت است (همو، ۱۳۹۱، ص ۴۷۴). معاشرت نیکو، از یک بینش و نگرش هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه‌ای منشعب می‌شود که طبق آن نگاه، «انسان‌ها در انسانیت و کرامت انسانی برابرند». بر اساس چنین بینشی، افراد به هم‌نوع خود به دیده احترام می‌نگرند و همان‌طور که خود خواسته‌هایی دارند، برای طرف مقابلشان نیز تقاضایی را قایل‌اند و برای اینکه توقعات طرف مقابل را بفهمند، خود را در جایگاه او فرض می‌کنند و و در برابر او، خود را موظف و مسئول می‌دانند. از فواید روش معاشرت نیکو، این است که زمینه بروز عواطف مطلوب را مهیا می‌سازد؛ چراکه وقتی پیام «به تو توجه دارم و درکت می‌کنم» را برای مخاطب ارسال می‌شود، همدلی و صمیمیت برقرار می‌گردد و مخاطب نیز خود را در چنین وضعیتی می‌یابد. از این رو، به‌خوبی جذب عاطفی صورت می‌گیرد. در روایات ما نیز به این روش اشاره شده است:

عن امیرالمومنین علیه‌السلام: حُسْنُ الصُّحْبَةِ يَزِيدُ فِي مَحَبَّةِ الْقُلُوبِ: معاشرت نیکو موجب افزایش محبت در دل‌هاست (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۷۴).

در ادامه به نمونه‌هایی از معاشرت نیکو می‌پردازیم:

گشاده‌رویی و نرم‌خویی

در روایات توصیه شده است با رویی گشاده و چهره‌ای متبسم و نرم‌خو با دیگران روبرو شوید. از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که مردی محضر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: شرفیاب شد و عرضه داشت: مرا [به کارهای خوب] سفارش کن. از جمله توصیه‌های آن حضرت به آن مرد، این بود: «در مواجهه با برادران دینی‌ات گشاده‌رو باش» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۳).

استاد مصباح^ع در این باره می‌فرماید: افرادی که رفتاری مؤدبانه و با نزاکت دارند و با گشاده‌رویی و مهر و محبت با دیگران برخورد می‌کنند، در دل دیگران جا باز کرده و همه دوست دارند با آنان معاشرت نموده و به آنها نزدیک شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۸).

احسان

احسان به دیگران، از ارزش‌های اساسی اخلاقی است که همه انسان‌ها ارزشمندی آن را قبول دارند. احسان دارای دو مفهوم است: گاهی معنی بخشش به دیگران را افاده می‌کند و گاهی نیز در یک مفهوم عام و به معنی انجام هر کار نیک به کار می‌رود. در این صورت، شامل تمام کارهای مثبت و ارزشمند اخلاقی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۵). این ویژگی فطری انسان است که هر کس به وی احسان می‌کند، در دل خویش نسبت به او محبت ورزد؛ چرا که انسان بنده احسان است. و احسان فطرت انسان را بیدار می‌کند و محبت خدا را که در فطرت وی ریشه دارد، برمی‌انگیزد (همان، ج ۱، ص ۲۵۶). در قرآن کریم از برخی افراد و گروه‌ها، به عنوان محبوب خدا نام برده شده و احسان کنندگان از جمله آنها هستند: «والله يحب المحسنين» (آل عمران: ۱۳۸-۱۳۴). ارزش احسان از آن جهت است که سبب ایجاد عاطفه محبت بین احسان کننده و احسان شونده می‌شود و به نوعی، فرد گیرنده احسان نیز خود را مدیون فرد احسان کننده می‌داند و در فکر جبران احسان خواهد بود.

معاشرت با صالحان و فقرا

باید رابطه خود را با اولیای خدا و صالحان تقویت کنیم، تا به محبت الهی دست یابیم؛ زیرا بین محبت خدا و محبت به اولیای خدا نوعی رابطه است که هر یک تقویت شود، در دیگری اثر می‌گذارد، و ایجاد شکاف و جدایی بین آنها امکان ناپذیر است، بلکه همواره بینشان پیوند ناگسستنی برقرار است. لذا در یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ یعنی اگر محبت انسان به خدا فزونی گرفت، محبت به اولیای خدا نیز فزونی می‌گیرد و نیز اگر محبت انسان به اولیای خدا زیاد شد، محبتش به خدا نیز بیشتر خواهد شد. پس دوستی و محبت ما به دیگران، باید براساس عشق و محبت به خدا باشد (همو، ۱۳۸۴، ص ۴۸).

در مورد معاشرت با فقرا نیز استاد مصباح یزدی در شرح حدیث معراج این‌گونه آورده‌اند (همان، ص ۱۱۱). «یا اَحْمَدُ؛ مَحَبَّتِي مَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ فَادْنِ الْفُقَرَاءَ وَ قَرَّبْ مَجْلِسَهُمْ مِنْكَ»؛ ای محمد؛ دوستی من دوستی فقراست، پس همنشین و هم مجلس فقرا باش. فقرای وارسته و آزاده و بی‌اعتنای به جلوه‌ها و مظاهر دنیا، محبوب خدایند و محبت به آنها محبت به خداست و آنها، کسانی هستند که به آن ویژگی‌های ارزشمندی که ذکر شد، زینت یافته‌اند. خداوند به رسولش فرمان می‌دهد: با این فقرا معاشرت داشته باش و به مجلس و جمع آنها در آی و آنها را به خود نزدیک ساز. ایشان در ادامه آورده‌اند که:

دلیل اینکه خداوند روی همنشینی و معاشرت با فقرا تکیه دارد و فرموده محبت من، محبت فقر است و نفرمود محبت به من محبت به صالحان و صابران و کسانی است که به قضای الهی راضی‌اند و بر او توکل دارند. بدین جهت است که اغنیا و ثروتمندان، بیشتر در معرض فساد و انحراف و طغیان قرار می‌گیرند و عوامل دور شدن از خدا، در آنها بیشتر است، چنانکه خداوند فرمود: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ. أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۶-۷).

پس به‌نوعی می‌توان گفت: همنشینی با صالحان و فقرا موجب ایجاد عاطفه محبت به خداوند می‌شود که این عاطفه، همان‌طور که قبلاً بیان شده بود، ریشه ایجاب بسیاری از عواطف ممدوح می‌باشد.

تکرار

آگاهی‌ها و بینش‌هایی که تأثیراتی بر روی ایجاب عواطف دارند، مانند همه آگاهی‌های دیگر، اگر به حال خود رها شوند، بر اثر مرور زمان مورد غفلت واقع می‌شوند و از اثرگذاری خود بر ایجاب عواطف ممدوح می‌افتند. از این‌رو، لازم است که به این آگاهی‌ها و بینش‌ها توجه مستمر داشته باشیم و پیوسته آنها را مدنظر قرار دهیم. تکرار موجب می‌شود تا آگاهی‌های پشت پرده و ناهشیار بر صفحه خودآگاه ضمیر فرد آورده و تثبیت شود.

عن الصادق علیه السلام: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَوَّمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ». محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، کاری نیک است که بنده بر آن مداومت داشته باشد، هر چند کاری اندک باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۵۱۰). بسیاری از آیات قرآن و دعاهای مأثور نیز با استفاده از همین روش تکرار و القای قلبی، درصد بروز عواطف مثبت ایجاب شده در فرد هستند.

ذهن و ذهنیت ما پیوسته در حال تغییر است. پیوسته معلوماتی بر روی معلومات قبلی می‌آید و برف‌انبار می‌شود، به‌گونه‌ای که پس از مدتی، معلومات اولیه کاملاً از سطح توجه ما خارج می‌گردد. برای اینکه چنین مسئله‌ای پیش نیاید، باید دانسته‌های دارای اولویت را مرتباً تکرار کنیم. این فلسفه در تشریح نماز، که هر روز چند نوبت واجب شده، به‌خوبی قابل درک است. این تکرارها موجب می‌شود کم‌کم آن دانسته در ذهن ما رسوخ یابد و همواره مورد توجه و التفات باشد. آیه شریفه «وَأَخِرُ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ نَبِيٌّ مِثْلُ نَبِيِّ آلِ عِمْرَانَ» (سوره آل عمران: ۱۰۹) دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ»: آنان که خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده، یاد می‌کنند؛ یعنی ذکر و یاد خدا برایشان «ملکه» شده و هیچ‌گاه از سطح توجه ذهن آنها خارج نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳؛ همو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۷۲). اگر مطلبی را چندین بار برای او تکرار کردند، گرچه حقیقت نداشته باشد، کم‌کم باور می‌کند. انسان می‌تواند واعظ خود باشد و مفاهیمی را به خود القا و تلقین کند و به یاد خود بیاورد. با شنیدن و خواندن و تلقین موعظه، دل زنده می‌شود (همو، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۹).

همچنین، این روش موجب می‌شود تا آگاهی‌ها و بینش‌های ما تبدیل به باور قلبی شود تا در سطح خودآگاه ذهن باقی بماند و موجب شود که مطابق آن عمل نماییم.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد که روش‌های ایجاد تربیت اخلاقی در بُعد عاطفی، بر اساس آثار آیت‌الله مصباح استخراج شود که در اینجا به مهم‌ترین نتایج تحقیق اشاره می‌گردد:

۱. از روش‌های ایجاد تربیت اخلاقی در بعد عاطفی، که در ایجاد یک رفتار جدید نیک و درست در بُعد عاطفی به کار می‌روند، با تکیه بر آثار استاد مصباح یزدی موارد زیر شناسایی شدند: تقویت دل، آگاهی‌بخشی و بینش‌بخشی، ارائه الگوی عاطفی پسندیده، ترغیب، محبت و مهرورزی، معاشرت نیکو، تلقین، تکرار و ذکر.

۲. از آنجا که منبع عواطف و گرایش‌ها و هیجانات، دل و قلب می‌باشد، تقویت دل کمک می‌کند تا عواطف و گرایش‌های ما در مسیر صحیح خود کنترل شوند که ایمان و یاد خدا از راه‌های تقویت دل، به‌شمار می‌روند.

۳. قلب کانون عواطف و احساسات است. اگر ایمان در قلب راه یابد، با عواطف آدمی مرتبط می‌گردد؛ یعنی منشأ پدید آمدن شادی، وجد و شغف، حزن، خوف، امید، رقت، وجل، حسرت، پشیمانی، آرامش، شوق، رغبت، عشق، اعتماد، محبت، نفرت، انکسار، مسکنت، تمنا، تعظیم، امتنان و سپاس، شرم و... خواهد بود.

۴. یاد خداوند، موجب اطمینان، آرامش و نشاط درون آدمی است و نمی‌گذارد اندوه‌های برخاسته از کاستی‌های حیات مادی موجودیت انسان را به خطر افکند.

۵. تحصیل آگاهی و تعمیم و تطبیق در روش آگاهی‌بخشی موجب فهم عمیق‌تر و کامل‌تر می‌شود و بن‌مایه تقویت عواطف می‌شود. همچنین، باید تلاش شود تا آگاهی‌بخشی‌های صورت گرفته در باب عواطف، به بینش و یقین تبدیل شده تا با درونی کردن آگاهی‌های اخلاقی، تلقی آدمی از گرایش‌ها و عواطف دگرگون شود.

۶. روش ترغیب با شیوه‌های تبشیر (مژده دادن) و تشویق (پاداش دادن) و وعده صورت می‌گیرد.

۷. خداوند، رمز موفقیت پیامبر در تسخیر دل‌های یارانش و در نتیجه، پیشرفت سریع اسلام را در گرو روش محبت و مهرورزی برشمرده است. و در این روش، مهم‌ترین عاطفه، که تأثیر بسزایی در بروز سایر عواطف ممدوح دارد، محبت به خداست.


۸. راه تحصیل محبت به خدا به‌عنوان مهم‌ترین عاطفه روش محبت و مهرورزی، موارد زیر می‌باشد: الف. توجه به نعمت‌ها ب. احتراز از عوامل تضعیف محبت خداوندی ج. محبت اولیای الهی.

۹. از فواید روش معاشرت نیکو این است که زمینه بروز عواطف مطلوب را مهیا می‌سازد؛ چراکه وقتی پیام «به تو توجه دارم و درکت می‌کنم» برای مخاطب ارسال می‌شود، همدلی و صمیمیت برقرار می‌گردد و مخاطب نیز خود را در چنین وضعیتی می‌یابد. از این رو، به‌خوبی جذب عاطفی صورت می‌گیرد. گشاده‌رویی و نرم‌خویی، احسان، معاشرت با صالحان و فقرا از مصادیق معاشرت نیکو می‌باشد.

منابع

- اسپیلکا، برنارد و دیگران، ۱۳۹۰، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد
- اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۳، *فقه تربیتی: مبانی و پیش‌فرض‌ها*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
- انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۶۷، *المعجم الوسیط*، چ سوم، قم، آمدی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت‌گوها*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۹۵، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، المصطفی.
- حرانی ابو محمد، ۱۳۹۳، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، آل علی.
- حسینی‌نسب، ۱۳۷۵، *فرهنگ تعلیم و تربیت*، تهران، احرار.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۳۹۷، *ارشاد القلوب*، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، آل علی.
- ربر، آر تور اس، ۱۳۹۰، *فرهنگ روان‌شناسی (توصیفی)*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، رشد.
- رزاقی، هادی، ۱۳۸۳، «تأثیر بینش بر انگیزش در تربیت دینی و اخلاقی، *معرفت*، ش ۶۹، ص ۴۸-۵۲.
- رضی، محمد بن حسین شریف، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، تهران، پیام عدالت.
- ری شهری، محمد، ۱۳۸۳، *ش، ترجمه میزان الحکمه*، قم، دارالحديث.
- سیف‌علی‌اکبر، ۱۳۶۸، *روانشناسی پرورشی‌نروانشناسی یادگیری و آموزش*، تهران، آگاه.
- شعاری نژاد، ۱۳۹۱، *فرهنگ توصیفی علوم رفتاری*، تهران، اطلاعات.
- عفیفی، حبیب، ۱۳۹۸، *قرآن و عواطف انسان*، قم، معارف.
- فرمبینی فراهانی، محسن، ۱۳۷۸، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، قم، اسرار دانش.
- کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۹۱، *برنامه درسی و تربیت اخلاقی: با نگاهی بر آثار علامه مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه محمد باقر کمرهای، چ دوم، قم، دار الرضی.
- مجدی هلالی، ۱۳۹۴، *بنای ایمان در پرتو قرآن*، ترجمه مجتبی دروزی، قم، احسان.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۷۹، *فیلم حضور رهبر انقلاب در منزل علامه مصباح یزدی*، <https://www.aparat.com/v/b8jAU>
- _____، ۱۳۸۰، *ره‌توشه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۲، *آفرختنی دیگر از اسمان کربلا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۲، *کوشش‌ها و چالش‌ها*، دو جلدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۳، *الف به سوی تو*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۳، «*اخلاق و عرفان اسلامی*»، *معرفت*، ش ۷۷، ص ۲۲-۳۳.
- _____، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، *به سودی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، *یاد او*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، *راهیان گوی دوست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۶، *الف، خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۷، *زین‌هار از تکبر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- _____، ۱۳۸۸، *انسان‌سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸ج، *رستگاران*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰، *انسان‌شناسی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰ب، *پند جاوید*، دوجلدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰ج، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰د، *به سوی او*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰س، *در جست‌وجوی عرفان اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰ش، *چگونه رغت قلب پیدا کنیم*، <http://mesbahyazdi.ir/node/3205>
- _____، ۱۳۹۰ص، *مهرورزی*، <http://mesbahyazdi.ir/node/2904>
- _____، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- _____، ۱۳۹۱ب، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱ج، *بهترین‌ها و بدترین‌ها در نهج‌البلاغه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱د، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱ر، *نظریه سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۲، *حمد خدا نقطه اوج محبت*، <http://mesbahyazdi.ir/node/5032>
- _____، ۱۳۹۴، *پندهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی